عالم ذرّ[1]

[واژه‌نامهٔ عقاید ـ ۲]

اصغر غلامی*

بر پایهٔ متون معتبر دینی، انسان پیش ازگام نهادن در دنیا عوالمی را پشت سر گذاشته است. وجود انسان در دو عالم ارواح و ذرّ به روشنی در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام بیان شده است. این عوالم از نظر انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی اهمّیّت فوق‌العاده‌ای دارند؛ زیرا به تصریح قرآن کریم و روایات معتبر معصومان علیهم‌السلام خدای تعالی در عوالم پیشین، انسان‌ها را مورد تفضل قرار داده و معرفت خویش را به آنها عطا فرموده است. بنابراین انسان‌ها به هنگام قدم نهادن به این دنیا از معرفت خداوند برخوردارند. لذا خداوند از آنها می‌خواهد که به آن معرفت اقرار آورند، و نام این عمل را «ایمان» نهاده، چنان‌که سرپوش نهادن بر این معرفت را «کفر» نامیده است.

---

۱. این مقاله برگرفته از سلسله مقالات «انسان در عالم ارواح» و «انسان در عالم ذرّ» نوشتهٔ استاد محمّد بیابانی اسکویی است که در شماره‌های ۱۵ تا ۲۵ مجلّه سفینه منتشر شده است. علاقمندان به مباحث تفصیلی در این رابطه می‌توانند به آن مقالات مراجعه فرمایند.

*. پژوهشگر، حوزهٔ علمیّهٔ قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

در یکی از این عوالم، خدای تعالی ارواح انسان‌ها را ـ دو هـزار سـال پـیش از آفرینش بدن‌ها ـ خلق کرده است، به این ارواح معرفت اعطا شده و آن‌هـا مـورد تکلیف و امتحان قرارگرفته‌اند، امتحانی خاصّ که تناسب با همان عالم دارد. و طبعاً برخاسته از معرفت است. دربارهٔ جزئیّات آن معرفت و امتحان، اطّلاع جزئی زیادی نداریم. ولی به هرحال، بر پایهٔ قرآن و احادیث معتبر، می‌دانیم که در نـتیجهٔ ایـن امتحان برای هر روح، بدنی متناسب با آن تقدیر شده است. بدن‌ها در عـالم ذرّ، خلق شده و هریک با روح خاصّ خود ترکیب شده‌اند. و به این ترتیب، در عالم ذرّ، انسان، کامل شده یعنی انسانِ مرکّب از روح و بدن تحقق یافته است. این انسان‌ها همان ذریّهٔ حضرت آدم علیه‌السلام هستند که خداوند، آنها را در صلب آدم قرار داده و در ذرّ دوم تمام ذریّهٔ حضرت آدم علیه‌السلام را از صلب او بیرون کشیده و آنها را به صورت ذرّات ریز معلّق در هوا پراکنده کرده است. در این عالم ـ که با عناوین مختلفی همچون «عالم ذرّ»، «عالم عهد و میثاق» و «عالم الست» از آن یاد می‌شود ـ خدای تـعالی خود را به فرزندان شناسانده، از آنان بر ربوبیّت خویش اقرارگرفته و برای استقامت بر این معرفت و اقرار بدان، با آنان پیمان بسته است. خدای تعالی می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَـلَى أَنْـفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ. (اعراف (۷) / ۱۷۲ و ۱۷۳)

و یاد آور زمانی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریهٔ آنها را بیرون کشید و آنان را بر خودشان گواه گرفت، آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری شهادت می‌دهیم تا اینکه روز قیامت نگویید ما از این غافل بودیم یا بگویید همانا پدران ما پیش از ما مشرک شدند و ما فرزندان بـعد از آنـها هستیم آیا ما را به جهت آنچه باطل‌گرایان انجام داده‌اند، هلاک میکنی؟

این آیه به «آیهٔ ذرّ» معروف است. آیات دیگری نیز وجود دارد که ناظر بر خلقت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

پیشین انسان است از جمله آیهٔ **«هل أتی»** (انسان (۷۶) / ۱) آیهٔ ۱۰۱ سورهٔ اعراف، آیهٔ انذار اوّل (نجم (۵۳) / ۵۶)، آیات یادآوری کنندهٔ میثاق (یس (۲۳) / ۶۰ و ۶۱)

همچنین در روایات بسیاری به این بحث پرداخته شده است، مانند روایات تفسیری ذیل آیهٔ **«فطرة الله الّتي فطر الناس علیها»** (روم (۳۰) / ۳۰)، روایات تفسیری ذیل آیهٔ **«فما کانوا لیؤمنوا»** (اعراف (۷) / ۱۰۱) و...

در این نوشتار، برای پرهیز از تطویل، تنها آیهٔ ذرّ و روایاتی که به نوعی بیانگر محتوای پیمان الاهی با بندگان هستند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه پس از بررسی معنای لغوی واژه‌های «ذرّ»، «ألست» و «عهد» به بررسي دلالت آیهٔ ذر، روایات تفسیری ذیل آیه، محتوای پیمان الاهی با بندگان، پیشی‌گیرندگان در اقرار به ربوبیّت خدا و تعدّد عالم ذرّ خواهیم پرداخت.

واژه پژوهی

الف) ذرّ

واژهٔ «ذرّ» از نظر واژه پژوهان در امور زیر به کار رفته است:

۱. مورچهٔ کوچک (العین، ج ۸، ص ۱۷۵؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۴۳) یا کوچکترین مورچه (صحاح، ج ۲، ص ۶۶۳) و یا مورچهٔ سرخ کوچک (لسان العرب، ج ۴، ص ۳۰۴).

۲. ذرّات بسیار ریزی که در شعاع نور تابیده شده از یک روزنه قابل رؤیتند. (النهایة فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱۵۷)

۳. تفریق و پراکنده ساختن. (همان؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۳۰۵)

بنابر این از نظر لغت در واژهٔ «ذرّ»، دو جهت وجود دارد: یکی ریز بودن، دیگری پراکندگی و انتشار.

ب) ألست

اصطلاحی است که از قرآن گرفته شده، با مضمون و محتوای اقرار به ربوبیّت خداوند، که ناظر به توحید فطری است. از نظر لغوی، مرکب است از «أ» (=ادات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

استفهام) به معنی «آیا»، که این استفهام از نظر ادبی «استفهام اقراری» نامیده می‌شود، و «لستُ» (= متکلّم وحده ماضی از لیس) به معنای «نیستم». ترکیب آن یعنی: «آیا نیستم؟». این واژه، در استعمال، صورت اسمی یافته و به روزی اطلاق می‌شود که خداوند، فرزندان آدم را با خطاب «ألست» خطاب کرد.

ج) عهد

واژه پژوهان، معانی متفاوتی برای «عهد» گفته‌اند، از جمله: نگهداشتن مودّت (منتهی الارب)، پیمان بستن و شرط کردن با کسی، وفای به وعده (اقرب الموارد) و مراعات چیزی در حالات مختلف.

در مفردات مینویسد:

عهد به معنای مراعات و حفظ چیزی به طور پیدر پی و مستمر است و پیمان را از آن جهت «عهد» گویند که مراعات آن لازم است.

از امر و توصیه به جهت لزوم حفظ آن نیز به عهد تعبیر میشود.

در اقرب الموارد میگوید:

عهد فلان... الشیء: *یعنی آن را پیدر پی نگهداری و مراعات کرد.*

بررسی دلالت آیهٔ ذرّ

آیهٔ شریفه ذرّ به روشنی دلالت دارد که خدای متعال، در زمانی خاص فرزندان بنی آدم را از پشت آنان بیرون کشیده است. ذریّهٔ حضرت آدم همه به صورت ذرّه‌ای کوچک، پس از بهره‌مندی از عقل و اختیار، معرفت خدا را به افاضهٔ او دریافت کرده و مورد خطاب مستقیم پروردگار قرار گرفته‌اند.

خداوند در برابر این معرفت بخشی، از آنان اقرار میخواهد: «**ألست بربّکم**» ـ *آیا من خداوندگار شما نیستم؟* ـ و بندگان نیز در برابر این معرفت روشن و آشکار، اقرار می‌کنند: «**قالوا بلی**».

بدیهی است خطاب پروردگار و طلب اقرار، هنگامی صحیح و رواست که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

انسان، به طور کامل خدای خویش را بشناسد و با تمام وجود، حضور او را دریابد. تنها چنین رؤیت و شهودی است که جایی برای تردید باقی نمی‌گذارد و انسان چاره‌ای جز اقرار و تسلیم ندارد. البتّه انسانِ مختار، با زبان، توان مخالفت و انکار دارد، امّا قلب او با مشاهدهٔ حقیقت نمیتواند آن را از خود دور سازد.

بر پایهٔ دلالت صریح آیه، خطاب الاهی عمومیّت دارد و همهٔ فرزندان آدم را ـ تا قیامت ـ دربرمی‌گیرد. خداوند متعال نیز با همگان بر این معرفت پیمان بسته و شاهد گرفته تا حجّت را بر ایشان تمام کند و راه هرگونه عذر و بهانه را ببندد.

همهٔ فرزندان آدم، در آن عالم، در عرض واحد و از هر جهت مساوی بوده‌اند. لذا کسی حق ندارد شرک و انکار خویش در این دنیا را به گردن دیگری نهد. از سویی با توجّه به شدّت و وضوح معرفت و پس از یادآوری آن در این دنیا، احدی نمی‌تواند مدّعی غفلت از آن شود.

در آیهٔ شریفه، از مراحل بعدی سخن به میان نیامده و بیان نشده که پس از پایان این تعریف و اخذ پیمان، خداوند با فرزندان آدم چه کرده است.

روایات تفسیری آیهٔ ذرّ

روایات فراوانی در کتب معتبر حدیثی دربارهٔ عالم ذر وجود دارد که در اینجا فقط به برخی از روایات مطرح شده در ذیل این آیه اشاره می‌شود.

امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ عالم ذرّ می‌فرمایند:

خدای تعالی ذریّهٔ حضرت آدم را تا روز قیامت، از پشت آن حضرت خارج کرد. آنها همچون ذرّه‌هایی خارج شدند، خداوند خودش را به آنها نمایاند و شناساند. و اگر این معرفت بخشی نبود، احدی پروردگارش را نمیشناخت. (الکافی، ج ۲، ص ۱۰، ح ۴. بنگرید: التوحید، ص ۳۳۰، ح ۹)

از حضرت امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: انسانهایی که به صورت ذرّ بودند، چگونه [مخاطب خدا قرارگرفته و] به او پاسخ دادند؟ حضرت فرمودند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

جَعَلَ فِيهِمْ مَا إِذَا سَأَلَهُمْ أَجَابُوه. (همان، ح ۱)
در آنها چیزی قرار داد که به هنگام سؤال از ایشان پاسخ دهند.

در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام از وعدهٔ بهشت به اصحاب یمین و جهنّمی شدن اصحاب شِمال سخن به میان آمده است. همچنین به اخذ پیمان دربارهٔ رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامت امامان شیعه علیهم‌السلام تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. (الکافی، ج ۲، ص ۶، ح ۱)

شیخ طوسی در امالی خود ضمن حدیثی، به سخن عمر به هنگام استلام حجر اشاره دارد که گفت: تو را می‌بوسم، در حالی که می‌دانم تو سنگی هستی که نه ضرر می‌رسانی و نه نفعی داری... امیر المؤمنین علیه‌السلام به وی فرمودند: به خدا سوگند او هم ضرر میزند و هم نفع میرساند. سپس با استشهاد به آیهٔ ذرّ فرمودند:

چون خداوند آدم را آفرید پشتش را مسح کرد و ذریّهٔ او به شکل ذرّ از صلبش خارج شدند. خداوند عقل را ملازم آنان ساخت و به آنها معرفت بخشید و اقرار خواست که او پروردگار است و آنان بنده. آنان به ربوبیّت او اقرار کردند و بر بندگی خویش شهادت دادند. امّا از آنجا که خداوند می‌دانست مردم دربارهٔ این اقرار درجات گوناگونی دارند، نام بندگانش را در پوستی نوشت و آن را در دهان این سنگ قرار داد. این سنگ در آن زمان دو چشم و دو لب و زبان داشت. خداوند فرمود: دهانت را بگشا. او دهان گشود و خداوند، آن پوست را در دهانش نهاد. سپس به او فرمود: «هر کس به طور کامل به عهدش وفا کرد، در روز قیامت به نفع او شهادت بده...»
(امالی، ج ۲، ص ۹۰؛ بنگرید: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۸)

در روایتی از ابن مسکان از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

دربارهٔ [نحوهٔ معرفت‌بخشی خداوند در] آیهٔ ذرّ پرسیدم که آیا این معرفت عیانی بوده است؟ فرمود: بله. پس معرفت تثبیت شد و انسانها موقف را فراموش کردند و به زودی به یاد خواهند آورد. و اگر آن نبود، احدی نمیدانست که خالق و روزی دهندهاش کیست. عدهای از انسانها در عالم ذر به زبان اقرار کردند، در حالی که به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

قلبشان ایمان نیاورده بودند.

روایت دیگری به همین مضمون از زراره از امام صادق‌علیه‌السلام نقل شده است. (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۹، ح ۱۰۸)

در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است:

خداوند بر همهٔ خلق حجّت دارد، زیرا این چنین در روز اخذ میثاق، از آنان پیمان گرفته است. (المحاسن، ص ۲۴۲، ح ۲۲۹)

در روایتی از امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام نیز مکالمهٔ خدای تعالی با همهٔ خلق مطرح شده است. اصبغ‌بن نباته میگوید:

روزی ابن الکوّا نزد امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام آمد و پرسید: آیا خداوند، پیش از حضرت موسی [علی نبینا و آله و علیه السلام] با احدی از فرزندان آدم سخن گفته است؟ امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام فرمودند: خداوند، با همهٔ آفریدگانش ـاعمّ از نیک و بد ـ سخن گفته و آنان به او پاسخ داده‌اند.

در ادامهٔ روایت آمده است:

این سخن بر ابن الکواء سنگین آمد و او از چگونگی این کار پرسید، که امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام با استشهاد به آیهٔ ذرّ فرمودند: «خداوند ضمن معرّفی خود و نیز پیامبران و رسولان و اوصیاء، از خلق بر تسلیم در برابر خویش و ایشان پیمان گرفت». (خصائص الائمّه، ص ۸۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۱۶)

عرضهٔ ولایت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در عالم ذرّ

بر اساس روایات اهل بیت‌علیهم‌السلام در عالم ذرّ، ولایت اولیای الاهی به خلایق عرضه شده و همهٔ بندگان نسبت به ولایت ایشان معرفت دارند. در ضمن روایات تفسیری عالم ذرّ به برخی از این قبیل روایات اشاره شد. در اینجا نیز به عنوان نمونه، روایتی را از امام صادق‌علیه‌السلام نقل می‌کنیم.

نعیم صحّاف میگوید: از امام صادق‌علیه‌السلام دربارهٔ آیهٔ شریفهٔ «**فمنکم کافر و منکم مؤمن**» پرسیدم. آن حضرت فرمودند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

خداوند ایمان و کفر آنان را به ولایت ما (اهل بیت علیهم‌السلام) شناخت روزی که در صلب آدم از ایشان پیمان گرفت در حالی که به صورت ذرّ بودند. (کافی، ج ۱، ص ۴۱۳)

این روایات، به صراحت بر عرضهٔ ولایت و معرفت بندگان نسبت به آن دلالت دارد.

تعیین یاران و پیروان امام عصر علیه‌السلام در عالم ذرّ

برخی روایات به روشنی گویای این حقیقت هستند که خداوند در عالم ذرّ، درجهٔ بالایی از معرفتِ اولیای خویش و شناخت حقیقت ولایت را به بندگانش عطا فرموده است تا آنجاکه در همانجا از مؤمنان پیمان گرفته که به هنگام قیام حضرت قائم ـ روحی و ارواح العالمین له الفداء ـ ایشان را همراهی کنند. این روایات همچنین بیانگر آن است که یاران حجّت‌بن الحسن علیهماالسلام، از پیش تعیین شده و با ایشان در قیام حضرتش هم پیمان گشته‌اند و خدا نیز از آنان بر این امر پیمان گرفته است.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

چون قائم علیه‌السلام خروج کند، مردم انکارش می‌کنند. او به سوی ایشان باز می‌گردد، در حالی که جوانی کامل است. پس کسی با او نمی‌ماند مگر مؤمنی که خدای تعالی پیمان او را در ذرّ اوّل گرفته است. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷)

سبقت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در گفتن «بلی»

پیشتر گفتیم که خدای تعالی همهٔ فرزندان آدم علیه‌السلام را در عرض واحد و در کنار هم، از پشت او خارج کرد و پس از اعطای معرفت، آنها را به اقرار بر ربوبیّت خویش تکلیف کرد. کیفیّت پاسخگویی بندگان در ایمان و کفر و مراتب آن دو، تأثیر داشته است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز به جهت سبقت گرفتن از همگان در پاسخ مثبت به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

پروردگار، اشرف مخلوقات شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

برخی از قریشیان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کردند: به سبب چه عاملی بر پیامبران سبقت گرفتی، در حالی که بعد از همهٔ آنها مبعوث شدی و آخرینِ آنها هستی؟

فرمودند: من نخستین کسی بودم که به پروردگارم ایمان آوردم و نخستین کسی بودم که خدا را اجابت کردم آنگاه که خداوند میثاق پیامبران را می‌گرفت و ایشان را بر خودشان گواه قرار می‌داد. «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: آری. پس من نخستین پیامبری بودم که گفت: «بلی»، و به این ترتیب من در اقرار به خدا بر آنان سبقت گرفتم. (کافی، ج ۱، ص ۴۴۱ و ج ۲، ص ۱۰)

اخذ میثاق از اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان ایشان

بر اساس برخی روایات، خدای متعال در عالم ذر اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیانشان را از مصائب و مشکلات پیش رویشان در دنیا آگاه ساخته و ضمن دعوت ایشان به صبر و شکیبایی و تقوا، از آنان بر این امر پیمان گرفته است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز با ایشان بر این امر پیمان بسته است.

این روایات گویای این حقیقت هستند که انسانها در عالم ذرّ همدیگر را می‌شناختند و از احوال یکدیگر آگاه بودند. شیعیان نیز به خوبی جایگاه خود را می‌دانستند و از امور پیش روی خویش اطّلاع داشتند، از پاداش خداوند در برابر ایمان، اعتقاد و اعمال نیک خود باخبر بودند و به ثبات قدم و استواری بر عهد خود هم‌پیمان شده و با سلام بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با حضرتش تجدید پیمان می‌کنند و از خدای متعال عمل به وعده‌اش را می‌خواهند. داودبن کثیر رقّی از امام صادق علیه‌السلام معنای سلام بر پیامبر را می‌پرسد. حضرتش چنین پاسخ می‌دهد:

خداوند متعال آنگاه که پیامبرش و وصی او و دختر و دو پسر او و همهٔ امامان و شیعیان ایشان را آفرید، از آنها پیمان گرفت که صبر پیشه سازند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

همدیگر را تحمل کنند، با یکدیگر در ارتباط باشند و راه تقوا پیش گیرند. خداوند در برابر آن به ایشان وعده داد که زمین مبارک و حرم امن را تسلیم آنها سازد... رسول خدا صلی الله علیه و آله از همهٔ امامان علیهم السلام و شیعیان ایشان بر این امر پیمان گرفت. سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله یادآوریِ همان عهد و تجدید پیمان بر خداوند است تا اینکه خدای متعال در امر خویش تعجیل فرماید و سلام خود را با تمام آنچه در آن است، به زودی برساند.

تعدّد عالم ذرّ

در روایات، تصریحی به تعدّد عالم ذرّ نشده است. اما در چند روایت این عالم با صفت «اوّل» توصیف شده است. به عنوان نمونه در تفسیر آیهٔ «**هذا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الأُولى**» (نجم (۵۳) / ۵۶) سخن از مبعوث شدن پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلق در ذرّ اوّل به میان آمده است. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰) در روایت دیگری آمده است: آنگاه که امام زمان علیه السلام به هیأت جوانی خروج می‌کند، فقط مؤمنانی بر ولایت او ثابت و استوار می‌مانند که در ذرّ اوّل از آن‌ها برای ولایت آن حضرت پیمان گرفته شده است. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷)

توصیف ذرّ به «اوّل»، دلالت دارد که غیر از «ذر اوّل» عالم ذرّ دیگری نیز در کار بوده است، زیرا تعلیق اخذ پیمان در عالم ذرّ به «اوّل»، دلالت بر خصوصیّتی در آن عالم دارد که بدون آن خصوصیّت، تعلیق به وصف، لغو و بیهوده می‌شود.

نکتهٔ اساسی و مهم در این مقام آن است که از محتوای روایات می‌توان دو عالم ذرّ به دست آورد. در ذرّ اوّل، پیش از خلق آدم علیه السلام، خداوند همهٔ فرزندان او را ـ تا قیامت ـ از گِلی که دو قسمت شده بود ـ به صورت ذرّ آفرید و از آن‌ها عهد و پیمان گرفت ـ سپس همهٔ آن‌ها را به حالت سابق ـ که گِل بودند ـ برگرداند و از آن گِل، آدم علیه السلام را آفرید. ذرّ دوم بعد از انتقال حضرت آدم علیه السلام به زمین صورت گرفته است. خداوند متعال پس از آن که حضرت آدم را به زمین منتقل کرد، همهٔ فرزندان آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

حضرت را تا قیامت از پشت او بیرون کشید، بار دیگر خود را به آنان شناساند، انبیا و رسولان خویش را بر آن‌ها عرضه داشت و بر ولایت خلفایش از آن‌ها عهد و پیمان گرفت.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

آنگاه که خدا خواست آدم علیه‌السلام را خلق کند، آب را بر گِل جاری کرد، سپس یک مشت از آن را برداشت و به هم مالید. بعد با دست خویش آن را به دو قسمت تقسیم کرد بعد آن‌ها را پخش کرد و آن‌ها مانند ذرّاتی بودند که حرکت می‌کردند. بعد آتشی شعله‌ور ساخت و اهل شِمال را امر کرد داخل آن شوند. آنان به سوی آتش رفتند و ترسیدند و داخل نشدند. سپس اهل یمین را امر کرد تا داخل آتش شوند. آنان به سوی آتش رفتند و داخل آن شدند. خداوند به آتش امر کرد که برای آنان خنک و سلام گردد. وقتی اهل شِمال این امر را دیدند، گفتند: خداوندا به ما فرصت دیگری بده. خداوند هم فرصت داد و به آن‌ها گفت: داخل شوید. آن‌ها به سوی آتش رفتند و در مقابل آن ایستادند و داخل آن نشدند. پس خداوند آن‌ها را دوباره به صورت گِل درآورد و از آن، آدم علیه‌السلام را خلق کرد. (کافی، ج ۲، ص ۷)

در این حدیث شریف نه تنها سخنی از اخراج ذرّیّه حضرت آدم علیه‌السلام از پشت او مطرح نشده، بلکه حدیث دلالت دارد که همهٔ فرزندان آدم علیه‌السلام تا قیامت، با خود او از آب و گِل ـ که دو قسمت شده بود ـ به صورت ذرّاتی مشخّص درآمده‌اند و خداوند متعال آنان را از قبل جدا کرده، عدّه‌ای را در طرف راست و عدّه‌ای دیگر را در طرف چپ قرار داده و سپس آنان را تکلیف کرده است. آنان که در طرف راست بودند، اطاعت و گروهی که در طرف چپ بودند، مخالفت کرده‌اند. آنگاه خدای تعالی همه را به صورت اوّل درآورده و بدن حضرت آدم علیه‌السلام را با آن گِل ساخته است.

در این حدیث تصریح نشده است که آیا در آن مجموعه خود حضرت آدم علیه‌السلام و سایر پیامبران و اولیا هم بوده‌اند یا نه؟ ولی با توجّه به این که امتحان عمومی است و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

در این امتحان‌ها اتمام حجّت است، روشن می شود که تمام فرزندان آدم علیه‌السلام با خود او در آن محفل مجتمع بوده‌اند. پس بدن حضرت آدم علیه‌السلام در آن محفل، بدن ذرّی خاصّ خود او بود و همه ذرّیّه او در آنجا به صورت جداگانه و در کنار او حاضر بودند. این محفل پیش از آن بوده که آدم علیه‌السلام به صورت ابوالبشر خلق شود. و ممکن است تعبیر ذرّ اوّل ـ که در برخی روایات به کار رفته ـ ناظر به همین محفل باشد. خداوند متعال بعد از اتمام این محفل، همهٔ ذریّهٔ آدم علیه‌السلام را دوباره فشرده کرد و بدن آدم علیه‌السلام را به عنوان ابوالبشر از این گِل ـ که حاوی مجموع ذرّات بود ـ آفرید.

ذرّ دوم نیز ناظر به عالم و محفلی است که خداوند متعال بعد از خلق حضرت آدم علیه‌السلام به عنوان ابوالبشر سامان داده، فرزندان حضرت آدم علیه‌السلام را تا آخرین فرزندش از پشت او بیرون کشیده و در آن محفل گرد آورده است. اکثر روایات عالم ذرّ بلکه می‌توان گفت همه روایات مربوط به عالم ذرّ به جز تعداد اندکی از آن‌ها ناظر بـه همین عالم است.

مرحوم ملاصالح مازندرانی هم در این مورد می‌نویسد:

از روایات فهمیده می‌شود که تکلیف اوّل ـ یعنی تکلیفی که پیش از تکلیف در دنیا و به ارسال رسولان و إنزال کتاب‌ها صورت گرفته است ـ متعدّد بوده است: اوّل در عالم ارواح خالص. دوم موقع خمیر کردن گل پیش از آن که آدم علیه‌السلام از آن خلق شود. سوم بعد از خلق آدم علیه‌السلام موقعی که ذریّهٔ آدم علیه‌السلام را از صلب او بیرون آورد در حالی که آنان مـانند مـورچـه بـه راست و چپ می‌رفتند. (شرح اصول کافی، ج ۸، ص ۱۳)

مرحوم آیة الله مروارید نیز در این زمینه می‌نویسد:

به مقتضای جمع بین روایات، ممکن است گفته شود که خداوند متعال بعد از اخذ عهد و میثاق از ارواح... و بعد از اخذ میثاق از ابدان ذرّی که دارای روح و واجد نور علم بودند، جسد آدم علیه‌السلام را از گِل ساخت... و گِلی را که مجموع بدنهای ذرّی بوده است، در پشت آدم علیه‌السلام بـه هـنگام خـلق او بـا بزرگی که بدن او داشت قرار داد... سپس او را با نفخ روحی که از پیش خلق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]

شده بود حیات داد... و بعد از آنکه او به زمین هبوط کرد، خداوند ذرّیهٔ او را از پشتش در صحرایی بین مکّه و طایف که «روحاء» نـامیده مـی‌شود، بیرون آورد و از آنها عهد و میثاق گرفت، چنانکه پیش از آن گرفته بود. و این ذرّ متأخّر است. (تنبیهات حول المبدء و المعاد، ص ۲۲۲)

می‌بینیم که مرحوم مروارید در باب تعدّد عالم ذرّ با کلام مرحوم مازندرانـی ـ علیرغم تفاوت جزئی ـ مطابقت دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.14.3]